



۲۰۱۶/۰۴/۱۹



همایون شاه عالمی

اتحاد ملت



مشکلات ما چرا آسان نشد؟
از چه در ضعف است استدلال ما
از چه همسایه است اهریمن به ما
مشکل قومی ست آیا در درون؟
مشکلات ما زبان و رنگ نیست
معدن پر بار دارد کشورم
پس چه باید کرد دیگر هموطن
نسل های ما پریشان پیر شد
نیمی مردم رفته بیرون در سفر
فقر می نالد به کوی و برزنم
روزگار و کار نبود در وطن
گشته دریا اشک رنجوران ما
گوشت دارد جاهلان اندر پلو
هرکه پر کردست جاغور جیب خویش
دزد و سارق گشته سرتاج زمان

درد های ما ز چه درمان نشد؟
از چه کم زور است استقلال ما
از چه مسدود است هر روزن به ما
یا فشار اجنبیان از برون؟
یا کمی در غیرت و در ننگ نیست
از چه من بر اجنبی ها نوکرم؟
خسته و زاریم از درد و محن
زندگی در ملک ما دلگیر شد
نیم دیگر خوار و زار و دربدر
گویی بدبخت همه عالم منم
قلب ما افتاده گویی از پرن
قطع گشته رحمت باران ما
خون بخورده عاقلان با نان جو
باغ را دزدیده جایی سیب خویش
آدم صادق ندارد آب و نان

دزد گشته بهر ملت پاسبان
تا بکی همچون گدا در سایلی
اتحاد ما یگانه راه است
بیخبر تاکی ز کار خیر و شر
کم برو با چشم های نیم کور
دولتی کاو برنگیرد مالیات
دولت ما دولت فعال نیست
ملت و دولت ببايد همنا
چاه پر آبست نبود ریسمان
ضعف از ما است آیا قایلی؟
این نفاق لعنتی هم چاه است
در قفس تاکی چنین بی بال و پر
افتی اندر آتش داغ تنور
ملتش محروم گردد از حیات
نیت پاکی که در اعمال نیست
تا که درد مردمان گردد دوا

نکته ای گویم بداری اش بیاد

اتحاد و اتحاد و اتحاد



سید همایون شاه "عالمی"